

ISFAHAN  
CHAMBER OF COMMERCE  
INDUSTRIES, MINES & AGRICULTURE



اتاق بازرگانی  
صنایع، معادن و کشاورزی  
اصفهان

## «بازطراحی میدان تقابل ایران و آمریکا»

(بررسی تحریم‌های شبکه نفتی و رفتار چین)

اردیبهشت ۱۴۰۵



## خلاصه مدیریتی

تحولات اخیر در روابط ایران و ایالات متحده نشان می‌دهد که این تقابل از سطح یک «جنگ مقطعی» به یک «رقابت ساختاری چندلایه» در حال گذار است به گونه‌ای که حتی در صورت کاهش تنش‌های نظامی، ابعاد اقتصادی، حقوقی و ژئواکونومیک آن تداوم خواهد داشت. شواهد موجود حاکی از آن است که ایالات متحده به صورت همزمان بر دو محور متمرکز است: نخست تقویت چارچوب‌های حقوقی و سیاسی داخلی برای استمرار سیاست فشار و دوم، انتقال تمرکز راهبردی به حوزه اقتصاد از طریق هدف‌گیری شبکه‌های تجاری و مالی مرتبط با صادرات نفت ایران به‌ویژه در ارتباط با چین.

در این چارچوب نقش چین به‌عنوان یک متغیر اثرگذار کلیدی حایز اهمیت ویژه‌ای است. شواهد رفتاری نشان می‌دهد که این کشور در جایگاه یک «بازیگر عمل‌گرا» با رویکرد «بی‌طرفی متمایل اقتصادی» عمل می‌کند، بدان معنا که ضمن تداوم تعاملات اقتصادی با ایران، از ورود به حوزه‌های پریسک و تقابل مستقیم با ایالات متحده اجتناب می‌ورزد. این الگو می‌تواند مسیر منازعه ایران و آمریکا را به سمت یک وضعیت «تنش پایدار و کنترل‌شده» سوق دهد.

بنابراین به‌نظر می‌رسد محتمل‌ترین مسیر آینده، تداوم یک «وضعیت میانی» است به‌نحوی که نه درگیری نظامی گسترده رخ می‌دهد و نه توافق جامع و پایدار حاصل می‌شود. پیامدهای این وضعیت شامل استمرار فشارهای اقتصادی، افزایش عدم قطعیت در تجارت خارجی، نوسانات بازار انرژی و تشدید روندهای بلوک‌بندی اقتصادی خواهد بود. درعین حال، سناریوهای جایگزین نظیر «توافق محدود» یا «تشدید منطقه‌ای» نیز با احتمال کمتر اما اثرگذاری بالاتر قابل توجه هستند.

در جمع‌بندی، محیط پیش‌رو را می‌توان «پریسک اما قابل مدیریت» توصیف کرد، محیطی که در آن مزیت نسبی بازیگران نه از طریق حذف تهدیدها بلکه از طریق توانایی مدیریت، تطبیق و کاهش اثرات آن‌ها شکل می‌گیرد. لذا حرکت به سمت اقتصاد تاب‌آور و کاهش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی اهمیت راهبردی برای ایران دارد. برای بنگاه‌های اقتصادی، مزیت رقابتی آینده بیش از هر چیز به توانایی پیش‌بینی سناریوها، انعطاف‌پذیری عملیاتی و تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت وابسته خواهد بود.

## مقدمه

تحولات اخیر نشان‌دهنده ورود منازعه میان ایالات متحده و ایران به مرحله‌ای جدید از تثبیت حقوقی، تشدید اقتصادی و آزمون پایداری سیاسی است. اظهارات مشاور حقوقی دولت آمریکا مبنی بر «توجه‌پذیر بودن جنگ با ایران بر اساس دهه‌ها رفتار تهاجمی»، حاکی از تلاش واشینگتن برای ایجاد یک چارچوب مشروعیت‌ساز در سطح حقوق بین‌الملل و افکار عمومی است. این موضع‌گیری نه صرفاً یک بیان سیاسی، که بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای نهادینه‌سازی منازعه در قالبی قابل استمرار تلقی می‌شود. درعین حال، تعیین ضرب‌الاجل زمانی (اول می ۲۰۲۶) برای تداوم یا بازتعریف عملیات نظامی، نشان‌دهنده وجود محدودیت‌های داخلی حقوقی و سیاسی در ایالات متحده است. این ضرب‌الاجل به‌طور ضمنی به مسئله اختیارات جنگی رئیس‌جمهور و فشارهای کنگره اشاره دارد و بیانگر آن است که تداوم جنگ نیازمند بازتعریف مشروعیت داخلی نیز هست.

از سوی دیگر و در بعد اقتصادی، تمرکز اصلی آمریکا بر قطع جریان‌های مالی ایران، به‌ویژه صادرات نفت به چین قرار گرفته است. اعمال تحریم‌های جدید علیه پالایشگاه‌های مستقل چینی موسوم به «تی‌پات» و شبکه‌های مالی مرتبط، نشان‌دهنده انتقال میدان نبرد از حوزه نظامی صرف به حوزه ژئواکونومیک است. این اقدامات با هدف ایجاد هزینه برای پکن در حمایت غیرمستقیم از ایران طراحی شده و عملاً چین را به یکی از بازیگران کلیدی این منازعه تبدیل کرده است.



## نیروهای پیشران

به نظر می‌رسد سه نیروی پیشران اصلی در این منازعه قابل شناسایی است که عبارتند از: نخست تلاش ایالات متحده برای بازتعریف نظم منطقه‌ای از طریق ترکیب فشار نظامی و اقتصادی. دوم، راهبرد «بقا و انطباق» ایران که مبتنی بر تاب‌آوری اقتصادی، شبکه‌های غیررسمی و بازدارندگی نامتقارن است. سوم، نقش چین در جایگاه بازیگری که بدنبال ایجاد توازن میان منافع انرژی و اجتناب از تقابل مستقیم با آمریکا است. تحلیل این سه نیرو بیانگر آنست که جنگ میان ایران و آمریکا در حال گذار از یک «درگیری مقطعی» به یک «رقابت ساختاری چندلایه» است، لذا حتی در صورت کاهش درگیری‌های نظامی، ابعاد اقتصادی، حقوقی و فناورانه جنگ کماکان تداوم خواهد یافت.

## سناریوهای محتمل

سناریوی اول «تشدید کنترل‌شده» منازعات است. در این سناریو، درگیری نظامی در سطحی محدود ادامه می‌یابد، تحریم‌ها تشدید می‌شوند و چین به خرید نفت ایران ادامه می‌دهد. احتمال وقوع این سناریو نسبتاً بالاست چون با منطق منافع همه بازیگران سازگار است. در این فرض، آمریکا در عین حفظ فشارها بر ایران، به جنگ تمام‌عیار بازگشت نمی‌کند، جمهوری اسلامی ایران شرایط موجود را حفظ می‌کند و چین هم از شوک شدید انرژی اجتناب می‌کند.

سناریوی دوم «توافق موقت یا توقف تاکتیکی» است که در صورت وقوع، به دلیل فشارهای داخلی در آمریکا یا هزینه‌های اقتصادی جهانی، نوعی کاهش تنش یا توافق محدود شکل می‌گیرد. احتمال این سناریو تا حدی پایین‌تر است چراکه نیازمند همگرایی سیاسی در واشینگتن و انعطاف‌پذیری تهران است که در شرایط فعلی محدود به نظر می‌رسد.

سناریوی سوم «تشدید گسترده و منطقه‌ای شدن جنگ» است که شامل گسترش درگیری به بازیگران منطقه‌ای و اختلال جدی در بازار انرژی خواهد بود. احتمال این سناریو کمتر، اما اثرات آن بسیار بالا و غیرخطی خواهد بود. احتمال پایین‌تر به دلیل هزینه‌های بسیار سنگین برای همه بازیگران است اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت. منطق این احتمالات مبتنی بر تحلیل همزمان ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و ترجیحات بازیگران کلیدی و نیز الگوهای تاریخی رفتار بازیگران در بحران‌های مشابه است.

## اثرات مستقیم و غیرمستقیم

اثر مستقیم تحریم‌ها در کوتاه‌مدت، کاهش درآمدهای نفتی ایران و افزایش هزینه‌های مبادله برای چین است. در سطح غیرمستقیم، این تحولات موجب افزایش قیمت انرژی، بی‌ثباتی در زنجیره تأمین جهانی و تقویت روند «بلوک‌بندی اقتصادی» می‌شود. در میان‌مدت، این منازعه به تسریع روند «دلارزدایی نسبی» در مبادلات انرژی کمک می‌کند، زیرا بازیگران تلاش می‌کنند مسیرهای جایگزین برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کنند. همچنین افزایش نقش بازیگران غیردولتی و شبکه‌های غیررسمی در اقتصاد جهانی قابل پیش‌بینی است.

## آینده جنگ

منازعه ایران و آمریکا وارد فازی شده که «پایان سریع» بعید و «مدیریت بلندمدت تنش» محتمل‌تر است. این بدان معناست که بازیگران باید خود را برای یک دوره طولانی از رقابت فرسایشی آماده کنند. ضمن آنکه پیوند خوردن این منازعه با رقابت آمریکا و چین، آن را از یک بحران منطقه‌ای به یک مسئله ژئواستراتژیک جهانی تبدیل کرده است.

## ارزیابی رفتار چین

ارزیابی شواهد موجود نشان می‌دهد که رفتار چین در قبال منازعه ایران و ایالات متحده، مبتنی بر محاسبه‌گری، مدیریت ریسک و حفظ توازن منافع است. تحلیل دقیق رفتار این بازیگر مستلزم تفکیک سه سطح رفتاری است: در سطح گفت‌وگویی، چین بر اصولی نظیر مخالفت با اقدامات



یک جانبه، تأکید بر راه‌حل‌های دیپلماتیک و پرهیز از تقابل مستقیم با آمریکا تأکید می‌کند. این موضع‌گیری به گونه‌ای طراحی شده که ضمن ارسال سیگنال‌های همدلی با ایران، از تشدید تنش با واشینگتن جلوگیری کند. در سطح اقتصادی، رفتار چین عملیاتی‌تر و انعطاف‌پذیرتر است بدان معنا که به جای قطع تعامل، مسیرهای همکاری با ایران را بازطراحی می‌کند و از سازوکارهای غیرمستقیم برای تأمین انرژی و کنترل ریسک تحریم‌ها بهره می‌گیرد. در سطح راهبردی، پکن این منازعه را در چارچوب رقابت کلان خود با آمریکا می‌بیند و تداوم یک تنش کنترل‌شده را که موجب درگیر شدن منابع و تمرکز واشینگتن شود، احتمالاً مطلوب‌تر از تغییرات ناگهانی ارزیابی می‌کند.

برآیند این سه سطح نشان می‌دهد که مسیر غالب رفتار چین، «تعامل مدیریت‌شده» با ایران است که می‌توان آن را نوعی «بی‌طرفی متمایل اقتصادی» توصیف کرد. بدین ترتیب همکاری اقتصادی با ایران ادامه می‌یابد اما از ورود به حوزه‌های پرریسک به‌ویژه امنیتی اجتناب می‌شود اما در عین حال و در صورت افزایش محسوس فشارهای تحریمی، امکان تعدیل یا کاهش موقت این تعاملات نیز وجود دارد. دلالت سیاستی این تحلیل آن است که اتکا به چین به عنوان یک شریک «راهبردی-امنیتی»، برآوردی خوش‌بینانه محسوب می‌شود. در مقابل، طراحی روابط اقتصادی باید بر مبنای درک محدودیت‌های پکن و حساسیت آن به ریسک‌های تحریمی صورت گیرد. این ارزیابی نشان می‌دهد که فشارهای هدفمند اقتصادی بر چین می‌تواند بر رفتار آن اثرگذار باشد اما این اثرگذاری دارای سقف مشخصی خواهد بود. در جمع‌بندی می‌توان رفتار چین را در قالب یک منطق پایدار تبیین کرد که عبارتست از «حداکثرسازی منافع اقتصادی، حداقل‌سازی ریسک ژئوپلیتیکی، و بهره‌برداری از تداوم رقابت میان سایر قدرت‌ها». درک این منطق، پیش‌نیاز هرگونه تصمیم‌گیری مؤثر در قبال این بازیگر کلیدی است.

### توصیه‌های کاربردی

در سطح سیاست‌گذاری کلان، ضروری است رویکرد تصمیم‌گیری در ایران از «واکنش به رویداد» به «مدیریت سناریو» تغییر یابد. به عبارت دیگر سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که در برابر «طیفی» از آینده‌های ممکن انعطاف‌پذیر باشند، نه وابسته به یک پیش‌بینی واحد. در این چارچوب، کاهش وابستگی ساختاری به درآمدهای نفتی به عنوان یک اولویت راهبردی مطرح است زیرا تحولات اخیر نشان می‌دهد این حوزه به‌طور مستقیم هدف فشار قرار گرفته است.

تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و مالی، توسعه سازوکارهای پرداخت جایگزین و تقویت پیوندهای اقتصادی با اقتصادهای غیرغربی می‌تواند بخشی از ریسک‌های ناشی از محدودیت‌های خارجی را کاهش دهد. هم‌زمان، مدیریت روابط با چین باید بر پایه واقع‌گرایی و درک محدودیت‌های این کشور در مواجهه با محدودیت‌های جهانی و تحریم‌های ثانویه ایالات متحده تنظیم شود.

از منظر حکمرانی اقتصادی، ایجاد ثبات نسبی در محیط کلان، مدیریت انتظارات تورمی و تقویت تاب‌آوری اقتصادی از طریق اصلاحات ساختاری، نقش کلیدی در کاهش اثرات این منازعه خواهد داشت. حفظ و توسعه کانال‌های دیپلماتیک (اعم از رسمی و غیررسمی) برای مدیریت سطح تنش و جلوگیری از تشدید ناخواسته، یک ضرورت راهبردی محسوب می‌شود.

مهم‌ترین تغییر مورد نیاز در سطح بنگاه، گذار از رویکرد «کارایی در شرایط باثبات» به «تاب‌آوری در شرایط بی‌ثبات» است. این امر به معنای بازنگری در زنجیره‌های تأمین، کاهش وابستگی به مسیرهای پرریسک و تنوع‌بخشی به بازارهای هدف است. بنگاه‌ها باید سناریوهای مختلف از جمله تشدید تحریم‌ها، نوسانات ارزی و اختلال در تجارت خارجی را در برنامه‌ریزی‌های خود لحاظ کنند.

علاوه بر این، مدیریت نقدینگی و ریسک ارزی در شرایط پیش‌رو اهمیت مضاعف پیدا می‌کند و استفاده از ابزارهای پوشش ریسک، تنوع در دارایی‌ها و افزایش انعطاف‌پذیری مالی توصیه می‌شود. همچنین، سرمایه‌گذاری در تحلیل داده‌های اقتصادی و ژئوپلیتیک می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و کاهش غافلگیری در برابر تحولات کمک کند. در حوزه‌هایی مانند انرژی، لجستیک و مالی که بیشترین تأثیر را از این تحولات می‌پذیرند، بنگاه‌ها باید به سمت مدل‌های عملیاتی منعطف‌تر حرکت کنند و ظرفیت انطباق سریع با تغییرات محیطی را تقویت نمایند.



## منابع و متدولوژی

- Reuters: U.S. legal adviser says Iran war justified by Tehran's aggression over decades, 24 April 2026.
- Al Jazeera: Trump's May 1 deadline: Can he continue war on Iran after that? 24 April 2026.
- The Washington Post, China-Iran oil trade targeted by new U.S. Treasury sanctions, 24 April 2026.
- Reuters: U.S. imposes sanctions on Chinese teapot refinery buying Iranian oil, 24 April 2026.
- The Wall Street Journal, U.S. adds to sanctions list in effort to halt Iran oil exports to China, 24 April 2026.
- Washington Institute: Tracking Chinese and Russian Statements on the Iran War, April 2026.

این گزارش براساس روش ترکیبی «تحلیل کیفی روندها» و «سناریونویسی احتمالاتی» تدوین شده است. ابتدا داده‌های خبری از رسانه‌های معتبر بین‌المللی (به شرح فوق) به‌عنوان ورودی اولیه برای بازسازی واقعیت استفاده شده و سپس نیروهای پیشران استخراج و براساس آن‌ها سناریوهای ممکن طراحی شده‌اند. در مرحله بعد، با استفاده از تحلیل تطبیقی و تجربه تاریخی، به هر سناریو وزن احتمالی اختصاص داده شده و در نهایت، اثرات و توصیه‌ها بر اساس تحلیل پیامدهای هر سناریو ارائه شده‌اند. در این چارچوب، سناریوهای ارائه شده بنابر شرایط و داده‌های موجود در زمان تحلیل (۵ اردیبهشت ۱۴۰۵) تدوین شده‌اند و با توجه به ماهیت پویا و پیچیده تحولات ژئوپلیتیک، مرتباً در معرض تغییر هستند. این سناریوها مسیرهای محتمل و مستقل از یکدیگر را ترسیم می‌کنند و الزاماً به‌صورت همزمان یا با احتمال مشخص تحقق نمی‌یابند. بر این اساس، محتوای این گزارش صرفاً با هدف پشتیبانی از تحلیل و تصمیم‌سازی ارائه شده و به‌منزله پیش‌بینی قطعی یا ایجاد تعهد برای مولف و اتاق بازرگانی اصفهان تلقی نمی‌شود.

\*\*\*\*\*